

حقایق ترسناک و عجیبی که هرگز فاش نشدند

حقایق ترسناک و واقعی. مواردی از اتفاقات اعجاب انگیز و حتی وحشتناک را مشاهده می کنید که دلیل رخ دادن آن ها هیچگاه مشخص نشده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، در ۱۰۰ سال گذشته، شاهد پیشرفت های چشمگیر بشر در حوزه های مختلف بوده ایم، انسان توانسته به سطح ماه قدم بگذارد، به اعماق اقیانوس ها سفر کند یا حتی DNA و عناصر تشکیل دهنده جهان را کشف کند، اما با وجود تمام این پیشرفت ها همچنان رمز و رازهایی در این دنیا وجود دارد که انسان هیچگاه نتوانسته حقیقت آن ها را فاش یا حتی تکذیب کند. در این گزارش چند مورد از همین اسرار عجیب و وحشتناک را مشاهده می کنید که احتمالاً تاکنون چیزی درمورد آن ها نشنیده اید.

کشتی اس.اس اورنگ مدان (SS Ourang Medan)

در ژوئن سال ۱۹۴۷ پیام هایی عجیب از یکی از خدمه کشتی اورنگ مدان برای کشتی های مختلف ارسال شد. او درخواست کمک داشت و پیام خود را اینگونه بیان کرد: تمامی خدمه به همراه کاپیتان کشتی مرده اند، مدتی بعد پیام دیگری دریافت شد: من هم مرده ام. این پیام های عجیب باعث شد چند کشتی آمریکایی و هلندی برای پیدا کردن اورنگ مدان اقدام کنند.

پیام ها از مسیر تنگه مالاکا، جایی بین سواحل خشک شده سوماترا و مالزی، دریافت می شد در نتیجه کشتی های جستجوگر به سمت این مناطق حرکت کردند. سرانجام یک کشتی آمریکایی به نام ستاره نقره ای، اورنگ مدان را پیدا کرد. آن ها با پیشروی بیشتر متوجه یک کشتی هلندی شدند که به حال خود به شکل عجیب و غریبی رها شده است. از آن عجیب تر این بود که هرچه به کشتی نزدیک تر می شدند، سیگنال های دریافتی بیشتر می شد.

احتمالاً خدمه کشتی ستاره نقره ای فکرش را هم نمی کردند که چه صحنه های وحشتناک و چه اتفاق عجیب و غریبی انتظارشان را می کشد بنابراین برای کشف حقیقت وارد کشتی شدند و آنجا بود که متوجه شدند پیام ها و سیگنال های دریافتی، دروغین و اغراق آمیز نبوده اند. خدمه کشتی اورنگ مدان همگی با دهان و چشم های باز، دست هایی به حالت کشیده و صورت هایی به سمت خورشید بر روی عرشه کشتی مرده بودند و از حالت چهره هایشان مشخص بود که قبل از مرگ با صحنه های ترسناکی مواجه شدند به طوری که حتی حیوانات داخل کشتی هم از این حادثه جان سالم به در نبرده بودند.

برخی از خدمه به همان شکلی که مشغول انجام وظیفه خود بودند مرده بودند به طوری که افسر ارتباطات، همانطور در حال نوشتن تلگراف مانده بود و هنوز انگشت هایش بر روی دکمه های دستگاه تلگراف بود. خدمه ستاره نقره ای در زیر عرشه به جستجوی اجساد و یا شاید بازمانده ای از این حادثه گشتند و اجساد وحشت زده را یافتند که معلوم بود قبل از مرگشان به شدت از چیزی ترسیده اند.

آن ها هرچه بیشتر به قسمت های زیرین کشتی می رفتند سرمای شدید و غیرقابل تحملی را حس می کردند که باعث شده بود اجساد طی این مدت در کشتی سالم بمانند و به همین دلیل امکان تشخیص دقیق زمان واقعه مشخص نبود. به این ترتیب کاپیتان ستاره نقره ای تصمیم گرفت کشتی اورنگ مدان را به کشتی خود متصل کرده و با خود به ساحل برسد اما زمانی که خدمه در حال انجام مقدمات اتصال بودند اتفاق عجیب دیگری رخ داد.

مه غلیظی فضا را فراگرفت و پس از گذشت چند دقیقه، انفجاری بزرگ در اورنگ مدان رخ داد و این کشتی نفرین شده به همراه خدمه مرده و راز ترسناک و نامعلومش به اعماق دریا رفت. پس از گذشت سال ها از این اتفاق هنوز دلیل قاطعی برای آن کشف نشده، عده ای اعتقاد دارند که این کشتی هلندی مورد حمله فرا زمینی ها یا ارواح و اجنه قرار گرفته است. برخی دیگر نیز معتقدند کشتی در حال حمل غیرقانونی و قاچاق گاز اعصاب بوده است و به دلیل عدم رعایت مسائل ایمنی، خدمه آن دچار چنین حادثه ای شده اند.

پایگاه مخفی دالس Dulce

ظاهراً یک مجموعه زیرزمینی کاملاً مخفی در زیر صخره Archuleta Mesa در Dulce نیومکزیکو ساخته شده است. ادعاها مبنی بر این است که این پایگاه یک آزمایشگاه ژنتیک است که در آن انسان ها و موجودات فرازمینی با همکاری مشترک، آزمایش های نگران کننده ای را انجام می دهند که توسط اسناد مختلف و گزارش های شاهد و حتی یک کارمند سابق فاش شده است.

صداهای زمزمه‌ای عجیب و غریبی که به نظر می‌رسد از زمین در نزدیکی شهر دالس بیرون می‌آید، و همچنین وجود هلی کوپترهای نظامی که در اطراف منطقه مشاهده شده‌اند، به گمانه زنی‌های مربوط به تأسیسات زیرزمینی قوت می‌بخشد.

نویسنده ای با نام اصلی برانتون ادعا می‌کند که با کارگران سابق پایگاه مصاحبه کرده است که می‌گویند: "آزمایشاتی روی ماهی‌ها، پرندگان و موش‌ها انجام شده است که به شدت از اشکال اصلی آن‌ها تفاوت پیدا کرده‌اند. در آنجا انسان‌هایی با چند دست و چند پا و چندین قفس از موجوداتی چون خفاش انسان نما تا قد هفت فوت وجود دارد. بیگانگان چیزهای مفید و خطرناک زیادی در مورد ژنتیک به انسان‌ها آموخته‌اند." دولت آمریکا وجود پایگاه را انکار می‌کند اما این مانع گمانه زنی‌ها نمی‌شود.

کشف گوه آلومینیوم ایو

در سال ۱۹۷۴ یک گوه آلومینیوم که در کنار دو استخوان ماستودون دفن شده بود در سواحل رود مورس در ترانسیلوانیا نزدیک شهر آیود کشف شد. با بررسی‌ها مشخص شد این شیء که شبیه سر چکش است در لایه ای از اکسید به ضخامت یک میلی متر قرار دارد که نشان می‌دهد قدمت آن حدود ۳۰۰-۴۰۰ سال است. اما طی تحقیقات بعدی با اشاره به اینکه این گوه در کنار بقایای ماستودون پیدا شده این احتمال داده شد که می‌تواند تا ۲۰،۰۰۰ سال نیز قدمت داشته باشد.

آلومینیوم در پوسته زمین فراوان است اما همیشه با سایر مواد معدنی ترکیب می‌شود. این شیء گوه مانند به طرزی شگفت آور از ۱۲ عنصر گوناگون ساخته شده و نکته عجیب اینجاست که قدمت این گوه به قبل از کشف آلومینیوم و فن آوری ساخت آن برمی‌گردد. یک مهندس هوانوردی می‌گوید که گوه شبیه تجهیزاتی است که در فضاپیماها استفاده می‌شود. جامعه علمی معتقد است "گوه روی زمین ساخته شده و هنوز هدف آن مشخص نشده است". متأسفانه، گوه آلومینیوم Aiud در حال حاضر در یک مکان مخفی قفل شده است. با این حال، برخی از عکس‌های آن بصورت آنلاین قابل مشاهده است.

هواپیماربابی «دن کوپر»

در ۲۴ نوامبر سال ۱۹۷۱ میلادی، مردی حدوداً ۴۰ ساله به نام «دن کوپر» اقدام به تهدید و سرقت یک هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ کرد. او با صدا کردن مهماندار هواپیما، نامه‌ای را به او داد که در آن تهدید به همراه داشتن بمب کرده و در ادامه خواسته‌های خود که دو چتر نجات در جلو، دو چتر نجات در عقب و ۲۰۰ هزار دلار پول نقد بود را ذکر کرده بود.

هنگامی که هواپیما فرود آمد، وی ۳۶ نفر از مسافران را با پول و چترهای نجات معاوضه کرد. او برخی از خدمه را نگه داشت و سپس به سمت مکزیکو سیتی پرواز نمود. بعد از پرواز مجدد، کوپر همراه با چترها و پول از درب جلو به پایین پرید برای همیشه در یک شب سیاه بارانی از دید همه محو شد.

هشت سال بعد، پسری جوان یک بسته پوسیده حاوی ۵۸۰۰ دلار وجه نقد را پیدا نمود. شماره سریال آن‌ها با پول‌های داده به کوپر مطابقت داشت. اف بی آی تمام سواحل اطراف را به دقت جستجو کرد، اما نتوانست چیزی پیدا کند و مدعی شد که او قطعاً نتوانسته از این پرواز مرگبار جان سالم به در ببرد. اکنون پس از گذشت سال‌ها از آن اتفاق، این پرونده همچنان در اف بی آی باز است و هویت کوپر، اهداف او و سرانجامش ناپیدا است.

آرامگاه سپاه مک کنزی

ادینبورگ بهشت شکارچی ارواح است و وجود فعالیت آزاردهنده ارواح در آن کاملاً مستند و برای همه قابل درک و باور است. جورج مک کنزی (۱۶۳۸-۱۶۹۱)، لرد مدافع اسکاتلند در طول زندگی خود نیز عامل آزار و اذیت بی رحمانه پروتستان‌ها بود و اکنون به نظر می‌رسد که او پس از مرگ هم به ادامه کار خود برگشته است.

در سال ۱۹۹۸، یک ولگرد وارد مقبره وی شد و به طبقه زیرین که گودالی پر از اسکلت بود سقوط کرد. از آن زمان تاکنون، بیش از ۴۵۰ مورد از حوادث عجیب و غریب گزارش شده است، از افرادی که از هوش رفته‌اند تا آتش سوزی‌های غیر قابل باور و تعداد غیرمعمول زیادی از حیوانات مرده که در اطراف مقبره پیدا شده‌اند.

انگستان بازدیدکنندگان شکسته، موهایشان کشیده شده و توسط یک مهاجم نامرئی مشت یا لگد خورده‌اند و کبودی، خراش و سوختگی، ورم های پوستی، حالت تهوع و بی حسی در آن‌ها دیده می‌شود. علائم فیزیکی حمله فقط تا زمانی که افراد به خانه برسند یا شبانه به هتل های خود برگردند ادامه ندارد بلکه شاهدان حتی از ادامه دار بودن این آزار و اذیت‌ها تا خانه یا هتلشان گزارش داده‌اند. هر آنچه در آرامگاه سیاه در کمین است، مطمئناً فعال و متحرک است.

کودکان چشم سیاه

به احتمال زیاد شما هنوز نام BEK (بچه های سیاه چشم) را نشنیده اید. آن‌ها به ندرت دیده می‌شوند اما از طریق اینترنت تعدادشان رو به افزایش است و گزارش ها برخوردهای نزدیک را توصیف می کنند که نه تنها عجیب بلکه ترسناک هم هستند.

تقریباً همیشه داستان ها با صدای زنگ در شروع می شوند. یک، دو یا چند کودک به عنوان "قربانی" ظاهر می شوند و درخواست کمک می کنند: آنها معمولاً می‌خواهند از توالی استفاده کنند، یک تماس تلفنی فوری برقرار کنند یا داستان دیگری از پریشانی خود را بیان می‌کنند. آنها درخواست می کنند که وارد شوند، وارد خانه یا ماشین، در بعضی موارد التماس می کنند، اما صاحبان خانه هرگز به دلیل احساس وحشتی بر آن‌ها غلبه می کند، آنها را راه نمی دهند.

شاید این چشمان کاملاً سیاه BEK باشد که وحشت طاقت فرسا را القا می کند. همانطور که یک "شاهد" توصیف کرد، چهره آن‌ها کمی تار به نظر می رسد و اگر به خواسته‌هایشان عمل نشود خشم آن‌ها را فرا گرفته و چشم‌هایشان سیاه تر و بزرگ تر می‌شود. برخوردهای اسرارآمیز در همین جا متوقف نمی شوند: برای مدت سه روز متوالی، [BEK ها] مدام در مسیر رانندگی من ظاهر می شدند. وقتی پلیس آمد هیچ کسی در چشم نبود.

هر چند وقت یک بار، آن‌ها را در منطقه مرکز شهر می بینم، مثل اینکه من را دنبال می کنند آنها پشت درخت هستند، من به بخش دیگری از ساکرامنتو رانندگی می‌کنم و آن‌ها را دوباره می بینم یا وقتی در حال رانندگی هستم آن‌ها را در کنار جاده می بینم و آن‌ها به من خیره می شوند.

یک مرد بچه ها را راه داد. آن‌ها ادعا کردند که باید از توالی و تلفن استفاده کنند، اما به محض اینکه وارد خانه شدند، چشم های عجیب آن‌ها را دید و به شدت وحشت کرد. BEK ها (بچه‌های چشم سیاه) به طرف او حرکت کردند و گفتند آمده اند تا او را جمع کنند. مرد با وحشت از خانه فرار کرد. توضیحات دقیق و علمی از این بچه‌ها موجود نیست اما برخی معتقدند آنان حاصل ارتباط انسان با بیگانگان یا اجنه هستند.

نقشه اعجاز انگیز پیر رییس!

یکی از نمونه های شگفت انگیز یک نقشه قدیمی جغرافیا است که روی پوست آهو ترسیم شده و قاره های موجود در کره زمین را نشان می دهد. این نقشه که در اوایل قرن هجدهم میلادی در دربار به هم ریخته سلطان عثمانی در کاخ «توپکابی» کشف شد، متعلق به یک افسر نیروی دریایی ترکیه به نام «پیر رییس» بود که در سده شانزدهم میلادی فرماندهی نیروی دریایی آن کشور را برعهده داشت.

دو نقشه دیگر نیز متعلق به این شخص در کتابخانه دولتی «برلین» نگهداری می شود. در حقیقت نقشه های «پیر رییس» که مربوط به سال ۱۵۱۳ میلادی می باشد نقشه اولیه نیست بلکه از روی یک نقشه قدیمی ترسیم شده که اصل آن تاکنون به دست نیامده است! اما حدس زده می شود که اصل نقشه مربوط به یونانی ها بوده است!

نکته عجیب درباره این نقشه آن است که گذشته از دریای مدیترانه و بحرالمت، سواحل آمریکای شمالی و جنوبی و سلسله کوه‌های قطب جنوب آن هم در دوره ای که عاری از برف و یخ بوده با تمام جزئیات دقیق امروزی، روی این نقشه ترسیم شده است. می دانیم که کوه‌های قطب جنوب تازه در سال ۱۹۵۲ میلادی کشف شد! اگر بنا به گفته دانشمندان قطب جنوب هزاران سال است که از یخ پوشیده شده، می توان به قدمت این نقشه که قبل از دوره یخ بندان تهیه شده پی برد!

پروفسور «هاپ گود» و شاگردانش برای آنکه مردم عادی نیز از نقشه عجیب و غریب «پیر رییس» سر در آورند آن را به صورت ساده ترسیم کرده و با نقشه مدرنی که تهیه کرده بودند مقایسه نمودند. در نقشه «پیر رییس» بخش هایی از سواحل آمریکای جنوبی ناپدید شده است، همین طور اقیانوسی که بین قطب جنوب و رأس آمریکای جنوبی وجود دارد!

باقی نقاط از جمله فرانسه، اسپانیا، آفریقا، کوبا، مکزیک و برزیل به ویژه دریای کارائیب در اقیانوس اطلس به درستی و بدون اشتباه نشان داده شده است! و این از عجایب نقشه برداری در زمانی است که ظاهراً بشر هنوز نتوانسته بود از زمین بلند شود و از فراز آسمان‌ها به آن بنگرد.

هویت و مرگ مشکوک مرد سامرتنی

ساعت ۶:۳۰ صبح یک دسامبر ۱۹۴۸ در کنار ساحل سامرتن در استرالیا، جسد مردی مرده پیدا شد. زمانی که با پلیس تماس گرفته شد، جسد روی شن‌ها قرار داشت، در حالی که سرش به سکویی تکیه داده شده و پاهایش رو به دریا قرار گرفته بود و پلیس هیچ نشانه‌ای مبنی بر تعرض نسبت به جسد و هیچ مدرک شناسایی از مقتول پیدا نکرد.

هیچ هویتی در هیچ نقطه ای از زمین برای او ثبت نشده بود. کاغذی کوچک و لوله شده که کلمات Tamam Shud (تمام شد) از صفحه آخر رباعیات خیام روی آن چاپ شده بود، در جیب مخفی داخل جیب شلوار مرد پیدا شد. نسخه اصلی که این برگ از آن کنده شده بود در حالی پیدا شد که با برخی حروف بر روی آن رمزگذاری شده بود اما تلاش کدشکن‌های حرفه ای هم در این زمینه بی ثمر ماند و هیچکس نتوانست کد هارا معنا کند. این پرونده هرگز بسته نشد و همچنان افراد زیادی برای کشف حقیقت این ماجرا به کار خود ادامه می‌دهند اما همچنان هویت مرد و دلیل مرگ او نامشخص است.